

تأثیر سفالگری اسلامی بر سفالگری جنوب ایتالیا (سیسیل)

از قرن سوم ه.ق. همزمان با ورود اسلام به این سرزمین

فاطمه مصدري

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا

famasdari@gmail.com

چکیده

هدف این مقاله آن است که سفالگری اسلامی چه تأثیری بر نمونه‌های سیسیلی آن در طول دوره ورود و پذیرش اسلام در قرن سوم ه.ق در این سرزمین، تا حداقل چند قرن بعد داشته‌است و اینکه آیا این فرایند تأثیرپذیری به صورت متقابل بوده و یا فقط یک جانبه بوده‌است. این پژوهش با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات به شیوه تاریخی و کتابخانه‌ای و با ارائه نمونه‌های تصویری، ابتدا به مطالعه سیر تاریخی ورود اسلام به جزیره سیسیل و سپس به بررسی و تحلیل تأثیرات متقابل ورود اسلام بر زندگی ساکنین مسلمان پرداخته‌است. هدف آن است که با مطالعه ویژگی‌های هنر سفالگری اسلامی در قرون اولیه اسلامی و به‌ویژه از قرن سوم هجری قمری و بررسی مشخصه‌های هنر سفالگری در سیسیل از قرن نهم میلادی (مصادف با ورود اسلام) و با توجه به ویژگی‌های مشترک و نقاط افتراق، تأثیرپذیری سفالگری سیسیل از سفالگری اسلامی با ارائه چند نمونه از هنر این مناطق در قرون یاد شده مورد استدلال واقع شود. نتایج این پژوهش در راستای شناخت چگونگی و میزان تأثیرگذاری اسلام و هنر و فرهنگ اسلامی بر فرهنگ سرزمین‌های مفتوحه و شیوه‌های زندگی آن‌ها اعم از تولیدات هنری و صنایع دستی، راهگشا خواهد بود.

واژگان کلیدی

سفالگری، سفالگری اسلامی، سیسیل، سفال لعابدار، قرن سوم ه.ق.

مقدمه

نمونه‌های مشابه اسلامی در ساخت، تکنیک و فرم و عناصر تزئینی به چه صورت بوده‌است؟

این پژوهش سعی بر آن دارد تا روند و میزان تأثیرپذیری این هنر و صنعت را از نمونه‌های اسلامی، در منطقه مورد نظر ارزیابی نماید.

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و مطالعه تصویری نمونه‌هایی از آثار هنرهای تزئینی در گنجینه‌های خارج از کشور و داخل کشور و با ارائه نمونه‌های موردی انجام گرفته‌است. نمونه‌ها شامل تصاویری از سفال‌های به دست آمده از قرن سوم ه.ق. و قرون متوالی، در مناطق جنوبی ایتالیا و نیز نمونه‌هایی از مشابه آنها در سایر فتوحات اسلامی است. پژوهش‌ها، گزارش‌ها و حفاری‌های باستان‌شناسی نیز در این رابطه مطالعه شده‌است. بررسی تکنیک ساخت، رنگ‌های مورد استفاده و نقوش روی ظروف سفالی در بازه زمانی مورد مطالعه در این راستا، یاری‌کننده خواهد بود.

هدف اصلی این پژوهش آن است که با مطالعه تاریخی هنر سفالگری سیسیل در دوران پس از راهیابی مسلمانان به جزیره (قرن سوم ه.ق) و بررسی نمونه‌های موجود در این زمینه، به تبیین و تحلیل تأثیرگذاری اسلام بر فرهنگ و هنر سایر ملل و به ویژه در مورد منطقه مورد نظر این تحقیق یعنی سیسیل (جنوب ایتالیا)، بپردازد. این پژوهش که به روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه تاریخی و کتابخانه‌ای و با ارائه نمونه‌های تصویری انجام می‌گیرد، می‌کوشد تا به‌وسیله تشریح موضوع و تحلیل اطلاعات به دست آمده به سؤالات زیر پاسخ دهد که آیا اسلام و هنرهای اسلامی بر تولیدات هنری مناطق تحت فرمانروایی مسلمانان پس از قرن سوم ه.ق، در جنوب ایتالیا و منطقه سیسیل تأثیر داشته‌است؟ در این راستا، از میان هنرهای اسلامی که این مناطق را تحت تأثیر خود قرار داده، هنر سفالگری انتخاب شده‌است و بنابراین سؤالات بعدی تحقیق عبارت است از: سفالگری اسلامی چه تأثیری بر سفالگری مناطق تحت فرمانروایی مسلمانان در سیسیل پس از قرن سوم ه.ق، داشته‌است؟ و تأثیرپذیری سفالینه‌های سیسیلی از

فرضیه

فرضیه پژوهش را می‌توان چنین مطرح کرد که به نظر می‌رسد هنر سفالگری در سیسیل، پس از ورود اسلام به این سرزمین و از قرن سوم ه.ق. به بعد، در تکنیک ساخت و در فرم و استفاده از نقوش تزئینی، از هنر اسلامی تأثیر پذیرفته و از الگوهای اسلامی پیروی کرده‌است.

پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه این پژوهش حفاری‌های باستان‌شناسی، برخی از تغییرات به وجود آمده در فرهنگ مادی سیسیل و جانشینی عناصر عربی-اسلامی را ثبت کرده‌است. برخی از نمونه‌های سفال‌های به دست آمده در کلیساهای جنوب ایتالیا شباهت‌های تکنیکی و تزئینی در این زمینه را نشان می‌دهد. منابع مکتوب محدودی به تأثیرپذیری هنر سفالگری سیسیلی از هنر اسلامی پرداخته‌است. بیشترین پژوهش‌ها را در این زمینه «الساندرا مولیناری»^۱ انجام داده‌است. مولیناری (۱۹۹۴: ۹۹) معتقد است که اکتشافات باستان‌شناسی در سیسیل پیوند محکم تاریخی و محصولات تجاری و صنایع‌دستی با کشورهای عربی اطراف را اثبات می‌کند. الیزابت لسنس (۱۹۹۸: ۱۱۱) بر این باور است که سفال‌های قرن دهم و یازدهم م، نشان‌دهنده پیوند عمیقی میان سیسیل و آفریقای شمالی است. وی مطالعاتی در زمینه تکنیک‌های اسلامی در ساخت سفال در این مناطق انجام داده‌است و برای اثبات موضوع، تحقیقات میدانی خود را بر تکنیک

ساخت و فرم سفال‌های به دست آمده از کلیسای سن دومینیکو در پالمو^۲ متمرکز کرده‌است. «برتی» و «بوردی» (۱۹۸۶: ۹۷) در این رابطه می‌گویند که سفال‌ها مظهر و منصف ظهور فرهنگ‌ها و تاریخ بوده‌اند و با مطالعه نمونه موردی از کلیسای سان‌پیرو آگرادو پیزا^۳، این تأثیر و تأثر فرهنگی را ارزیابی کرده‌اند. «لوچا آرچیفا» (۲۰۱۰: ۱۷) در این راستا، شبه کتیبه‌های به دست آمده از کلیسای سانت آگاتا^۴ در حوالی کاتانیا^۵ را مورد مطالعه قرار داده‌است. «آنتونیو روتولو» (۲۰۱۱: ۵۶۰-۵۴۵) معتقد است، لوچا آرچیفا^۶ و سالوینا فیوریللا^۷ تحقیقات بسیار مفیدی در زمینه موضوع این مطالعه، در سیسیل شرقی انجام داده‌اند، هرچند در سیسیل غربی با وجود تحقیقات الساندرا مولیناری در مناطق روستایی و تلاش‌های «فابیولا آردیتزونه»^۸، به دلیل کمبود نمونه‌های به جا مانده و ضعف در بازسازی‌های باستان‌شناسی، میزان تأثیرپذیری سفال‌ها از نمونه‌های اسلامی کمتر مشخص است. به گفته آنتونیو روتولو (همان)، الساندرا مولیناری در سال ۱۹۹۵ از جمله اولین اشخاصی بود که پیشنهاد داد اطلاعات مربوط به کاسه‌های سفالی لعابدار به رنگ سبز و قهوه‌ای با عنصر تزئینی دهد که به عقیده او مشخصه بارز سفال‌های سیسیلی قرن دهم و یازدهم است، به دلیل شباهت با نمونه‌های اسلامی بررسی شوند. همچنین می‌توان از کتاب «اسلام ایتالیایی، سفری به دومین مذهب سرزمین، نوشته استفانو الیوی» در سال ۲۰۰۳، پژوهشی با عنوان «اسلام در سیسیل، شکوفایی دو تمدن» توسط مرشدس آوتوری در ۲۰۱۲ اشاره کرد. از میان تألیفات فارسی و یا ترجمه‌شده به فارسی

می کردند. حضور اسلام در منطقه سیسیل به قدری تأثیرگذار بوده که حتی امروزه باورها و سبک زندگی مردم این منطقه، از مردم سایر نواحی ایتالیا متفاوت است.

از نیمه دوم قرن دهم تا قرن یازدهم م، جزیره سیسیل با دوره طولانی تری از ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی مواجه شد که تاریخ دانان از آن به عنوان «دوره طلایی اسلام سیسیلی» یاد کرده اند (Ibid: 90). فاطمیان، نام سلسله ای بود که در مدت زمان زیادی نزدیک به دو قرن، بر شمال آفریقا حکومت می کردند. در دوره زمامداری این حکومت شیعه، تغییرات بسیار چشمگیری در زمینه فرهنگ، هنر، علم و دانش، در شمال آفریقا پدید آمد. خلافت فاطمیان به سیسیل، مصر، فلسطین و سوریه گسترش یافت. بعدها وقتی سیسیل به تصرف نورمن ها (حاکمان شمالی) درآمد، یعنی به فاصله کمتر از صد سال، شمار مسلمانان سیسیل به حدی بود که دوباره تعداد زیادی از آنان به شمال آفریقا و به ویژه تونس بازگشتند. در پی این تغییر و تحولات، در سیسیل نمونه های هنر اسلامی زاده شد. تغییرات حاصل از ورود فرهنگ جدید را می توان حتی در ادوات زندگی و ابزارآلات مورد استفاده مشاهده کرد. حفاری های پالرمو آثار مهاجرت متداوم مسلمانان و همزیستی مسلمانان و مسیحیان را در این دوره نشان می دهد (Lesnes, 1998: 110). تحقیقات باستان شناسی نشان دهنده تغییرات به وجود آمده در فرهنگ مادی سیسیل است که پیرو تصرف اعراب و جانشینی عناصر عربی-اسلامی به وجود آمد. تمدن اسلامی نتایج شگرفی برجای گذاشت. خواه از نظر انقلاب در دانش و تاریخ و خواه از منظر تأثیر بر فرهنگ و هنر و حتی زبان مردم منطقه. طی دو قرن حضور مسلمانان در این جزیره، سیسیل با تحولات عظیمی روبرو شد و همانگونه که ذکر شد، تاریخ دانان از آن به عنوان «دوران طلایی اسلام سیسیلی» نام می برند. لذا در سیسیل نمونه های فراوانی از هنر اسلامی به وجود آمد. «در پرتو تسلط مسلمانان و ایجاد شرایط مساعد برای گسترش تمدن، در طی سال های متمادی، فرهنگ منحصر به فردی در منطقه سیسیل مستقر شده بود که در آن، همزمان از سه زبان جهانی و علمی موجود در آن عصر استفاده می شد؛ این سه زبان عبارت بود از زبان لاتین، زبان یونانی و زبان عربی» (همان: ۳۱). در این دوره فرهنگی باشکوه و سرنوشت ساز، در مدت بیشتر از نود سال تغییراتی چنان شگرف و بنیادین به وجود آمد که حتی در زمان رومی ها هرگز اتفاق نیافتاده بود. نقش جدید سیسیل به عنوان پایتخت خلافت اسلامی و به وجود آمدن یک جامعه جدید شهری تازه مسلمان شده، تغییرات عمده ای را در شیوه زندگی به وجود آورد. «دانشمندان مسلمان، ریاضیات، طبیعیات، شیمی، هیئت و طب یونان را فرا گرفتند و به کمال رساندند و میراث یونان را که بسیار غنی تر شده بود به اروپا انتقال دادند. پزشکان مسلمان، پانصد سال، پرچمدار طب جهان بودند. معماری

«تاریخ سیسیل در دوره اسلامی» نوشته عزیز احمد (۱۳۶۲) و «نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام» نوشته جهانبخش ثواقب (۱۳۷۹) قابل تأمل هستند. ثواقب در این کتاب به چگونگی راهیابی اسلام به اروپا و مناطق جنوبی ایتالیا اشاره می کند و نقش تمدن اسلامی در اعتلای فرهنگ و کیفیت زندگی در مناطق متصرفه از جمله سیسیل را بررسی می کند. ثواقب می گوید: «تماس هایی که جهان اسلام به وسیله فتح اسپانیا و سیسیل برقرار کرد باعث انتشار گسترده تمدن و فرهنگ اسلامی در اروپا شد» (ثواقب، ۱۳۷۹: ۲۷). همچنین در زمینه مورد مطالعه این پژوهش یعنی سفال سازی در سیسیل دوره اسلامی می توان از رساله دکتری «پالرمو در دوره اسلامی، توسعه شهری و تولیدات سفالی (قرن نهم تا یازدهم)» نوشته «الساندرا باینیرا» (۲۰۱۳) و «سرامیک لعابدار در سیسیل اسلامی» از «کلاودیو فیلیپو مانجراچینا» (۲۰۱۳) نام برد.

تأثیرات اسلام بر زندگی ساکنین سیسیل

دستیابی اعراب برسیسیل در ۱۸ ژوئن ۸۲۷ میلادی با کناره گیری در ساحل شرقی آغاز شد و با لشکرکشی از طریق جبل الطارق^۹، سواحل ایبری^{۱۰} و با تصرف تائورمینا^{۱۱} (۹۰۲ م)، فتح تقریباً تمام جزیره به جز هلال شمال شرقی (دره دمونه^{۱۲}) که محل اقامت بیزانسی ها بود، انجام شد. مسلمانان با تأسیس شهر پالرمو، اسلامی ساختن کل منطقه را عملی ساختند. به زودی اسلام به تمام بخش جنوبی ایتالیا تسری یافت. این فتوحات توسط سپاهیان نظامی عرب و بربر که توسط امیران «اغلی»^{۱۳} از آفریقا فرستاده شده بودند، کامل شد.

پیشروی اعراب در سیسیل غربی بسیار سریع بود و هرچند در سیسیل مرکزی این پیشروی به کندی صورت گرفت، اما در دوره «نوتو»^{۱۴} و دره «دمونه»^{۱۵} شکل گیری یک جبهه داخلی و مبارزه بین سرزمین های متصرفه تحت کنترل اعراب و حکمرانان باقی مانده از دوره بیزانس، به پیروزی اعراب و تسریع فرایند فتح، کمک کرد. فتوحات اسلامی در ابتدا با مخالفت های بیشماری در منطقه مواجه شد، اما به واسطه عملکرد هوشمندانه اولین امیر سیسیل، «حسن الکلبی»^{۱۶} که پروسه ثبات قدرت را در جزیره عملی ساخت این مخالفت ها فروکش کرد. هم او بود که پادشاهی «کالبتا»^{۱۷} را که برای نود سال در سیسیل حکمرانی کردند، پایه گذاری کرد (Mangiaracina, 2013: 89).

بزودی اسلام در منطقه پذیرفته و شیوه زندگی اسلامی به عنوان شیوه زندگی جدید جایگزین بسیاری از عادات قبلی شد. اسناد تاریخی نشان می دهند که در این برهه تاریخی در سیسیل قضاوت اسلامی قضاوت می کردند. زنان مسیحی منطقه پالرمو تا مدت ها با حجاب خارج می شدند و به شیوه مسلمانان لباس می پوشیدند و انگشتان خود را به حنا خضاب کرده و به زبان عربی صحبت

سیسیل در فاصله بین قرن نهم تا دوازدهم ساخته شد. نحوه ساخت «کوزه‌های سنیا»^{۱۹} (تحت عنوان دستگاه‌های هیدرولیک) که در جهان عرب برای کشیدن آب از چاه شناخته شده، در سیسیل قرن نهم، نشان‌دهنده تأثیرپذیری عمیق از جهان اسلام است. تولید این ظروف یکی از نوآوری‌های پیچیده در انقلاب کشاورزی‌ای بود که توسط اعراب در سیسیل به وجود آمد. حفاری‌های اخیر در پالمو، وجود تولیدات سرامیکی نوع سیسیلی (سفال لعابی مشابه نمونه اسلامی) در اوائل قرن دهم را ثبت کرده‌است. مشخصات این تولیدات اولیه، همزمان با غیبت تولیدات محلی، به نوعی این فرضیه را که شروع تولیدات لعاب سیسیلی نتیجه مهاجرت سفالگران شمال آفریقا به جزیره باشد، تأیید می‌کند.

در قرن نهم و دهم، مشابه سفال‌های لعابی با نقوش تزئینی سبز و قهوه‌ای تولید شده در دارالاسلام، در پالمو نیز ساخته می‌شد و همزمان با محصولاتتی که از شمال آفریقا به ویژه تونس وارد می‌شد، به فروش می‌رسید. رواج این صنایع و تکنیک‌ها، پیرو جریان خیل وسیعی از مهاجرت‌ها به سیسیل صورت گرفت که تا قرن یازدهم ادامه یافت (Bagnera, 2013: 61-88). در دوره اسلامی نمونه شاخص سفالسازی، کاسه‌های پهن با لعاب داخلی سبز روشن و در قسمت خارجی با لعاب کمی مات تر و نقوش تزئینی قهوه‌ای زیر لعاب بود (Molinari, 1997: 101-127).

تکنیک‌های ساخت سفال در سیسیل دوره اسلامی

سفال لعابدار سیسیلی در کوره‌های عمودی با مرکز گردان (مدل ستونی) پخته می‌شده‌است. نحوه قرار گرفتن سفال‌ها در تنور توسط حامل‌ها یا نگهدارنده‌هایی که سفال‌ها را از هم جدا نگاه می‌داشت و مانع از آمیختگی آن‌ها در حین فرایند پخت می‌شد، انجام می‌گرفت که موجب بهره‌وری بهتر از محتویات کوره شده و سبب می‌شد تا بتوان سفال‌ها را به روش «پشته‌سازی» جمع‌آوری کرد. «شیوه پخت سفال در مناطق اسلامی که در اسپانیا و در مناطق شرقی سیسیل دیده می‌شود، کوره‌های ستونی شامل سیلندرهایی در خاک نسوز با قطر حداکثر ۳/۴ سانتیمتر و با طول متغیر بوده است که به دیواره‌های گلی کوره می‌چسبیدند و سفال در آن‌ها پخته می‌شد» (Molinari, 1994: 2).

فرایند پخت سفال لعابدار در کوره نیازمند یک پخت مضاعف در تنور بود. ماده اولیه از خاک رس تشکیل می‌شد که تحت تأثیر فرایند پخت در کوره، زمینه و تهرنگ قرمزی می‌گرفتند که برای ایجاد نقوش تزئینی مجلل چندان مناسب نبود. برای رهایی از این مشکل و دستیابی به سرامیک با سطوح سفید که نقوش تزئینی خود را روی آن نشان می‌داد، سفالگر به یک مهارت تکنیکی متوسل می‌شد که به آن «سفیدگری سطحی» می‌گفتند و به دو طریق انجام می‌گرفت. یکی فرو بردن دست‌ها در یک کاسه محتوای آب نمک و چرخاندن دست‌ها روی ظرف تا زمان شکل

اروپایی، تجدید رونق سفالکاری هنری در ایتالیا و فرانسه، آهنگری و شیشه‌گری ونیز طلاسازی ایتالیا و زره‌بافی و اسلحه‌سازی اسپانیا همه را از صنعتگران مسلمان الهام گرفتند» (ثواقب، ۱۳۷۹: ۲۳). نظام شهروندی بسیار قوی حکومت فاطمیان برای پالمو، پایتخت سیسیل، دوره‌ای از حاکمیت مدیترانه‌ای بسیار شکوفا رقم زد. در عین حال تغییر خلافت از امویان به عباسیان و سیاست‌های اتخاذ شده در دوره عباسی بر صنایع دستی و حرفه‌گری در حوزه مدیترانه تأثیر می‌گذاشت (Arcifa, 2010: 15). همچنین وجود مرزهای غربی و شرقی که سبب می‌شد حکمرانان فتوحات شرق و غرب سیسیل متفاوت باشند، تفاوت‌های صنعتگری را نیز در پی داشت که در ادامه بیشتر روشن خواهد شد.

محصولات و شیوه‌های جدید کشاورزی شامل تکنیک‌های آبیاری بسیار پیچیده مانند قنات^{۱۸} یا کانال‌های زیرزمینی برای جلوگیری از تبخیر آب و تغییر در اصول معماری بر اساس مؤلفه‌های باستانی متشکل از ترکیب طاق‌های گنبدی و رواج سبک شرقی که هنوز در برخی نقاط به خصوص غرب سیسیل وجود دارد، تولیدات کاشی و سرامیک با طرح‌ها و رنگ‌هایی که امروزه برای یک بیننده اروپایی گونه‌ای «هنر سنتی سیسیلی» به نظر می‌رسد، اما در واقع از سرزمین‌های عربی شمال آفریقا نشأت گرفته‌اند، به همراه صنایع دستی متنوع سبک اسلامی، از نمونه‌های تأثیر اسلام بر شیوه زندگی در مناطق ذکر شده، است. تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری و هنر، شهرسازی، جغرافیا، کشاورزی، آشپزی، ماهی‌گیری، تکنیک‌های آبیاری بسیار قوی بوده‌است. با این وجود به نظر می‌رسد یکی از مهمترین تغییرات به آغاز پیدایش فرم‌های جدید در تولیدات سفال و سرامیک و تکنیک‌های جدید در تولید صنایع دستی ارتباط دارد.

سیسیل، سرزمین سفالینه‌های اسلامی

سیسیل به عنوان مرکزیت ایده‌آل جهانی برای حمل و نقل از طریق مدیترانه، ارتباط گسترده‌ای با مسلمانان داشت و یک کل واحد را با شمال آفریقا تشکیل می‌داد. سیسیل، سرزمین گندم، به تونس و مصر در زمان فروکش کردن آب نیل، گندم و همین‌طور ابریشم خام، مرجان و چرم صادر می‌کرد (Molinari, 1994: 99). «منظور از سرامیک دوره اسلامی و یا به سادگی سفال اسلامی سیسیل، مجموعه‌ای از محصولات سفالی ساخته‌شده در طول دوره حکومت اسلامی از اواسط قرن نهم و سه‌ماهه آخر قرن یازدهم است» (Rotolo, 2011: 545-560). شرقی شدن فرهنگ مادی در پالمو و تغییرات به وجود آمده در سفال‌هایی که در تهیه غذا، آلات روشنایی (لامپ‌های گنبدی) یا مرتبط با فعالیت کشاورزی به کار می‌رفتند، بلافاصله پس از ورود مسلمانان مشهود بود. محصولات سفالی با تکنیک اسلامی شامل سفال‌های لعابی ساده سبز رنگ و سفال‌های منقوش با لعاب بر روی زمینه سفید، برای اولین بار در

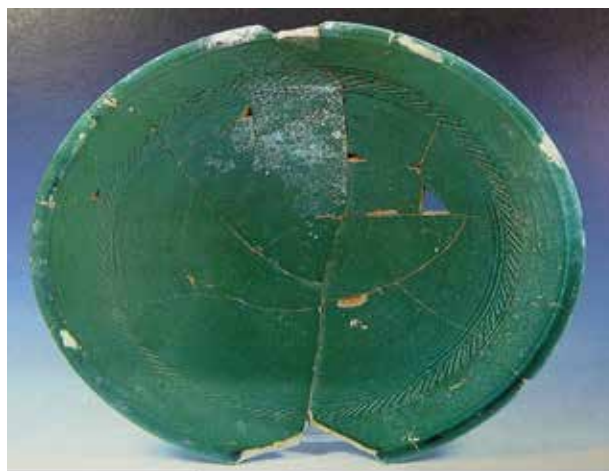
در این دوره، سفال‌های تک‌رنگ یکی از مهمترین انواع سفالینه‌های منحصر به نواحی جنوب مدیترانه، سیسیل و کشورهای مسلمان شمال آفریقا بود (تصویر ۱). «سفال‌های تک‌رنگ، شامل آمفورها^{۲۱} (خمره‌های آب یونانی) و کوزه‌ها یا سیوه‌های نوریه^{۲۲} (اصطلاحی که به سفالینه‌های هیدرولیک برای کشیدن آب اشاره داشت) با خمیر سفت سرخ رنگ، در داخل، نخودی، و با میزان بالایی از کلسیت در قرن دوازدهم به کار می‌رفت» (Arcifa, 1998:93). نوع دیگر از سفال‌ها، کاسه‌ها و کوزه‌ها و خمره‌های گلاب‌هایی است که در فرم و ابعاد نمونه‌های لعابی است، اما بدون لعاب و با یک گلابه‌کاری ساده ساخته می‌شد. نمونه مشابه سفال گلابه‌ای را در سفال‌های منقوش گلابه‌ای سامانی که از شهرت بسیاری برخوردار بود و در ایران عصر سامانی در قرون نهم و دهم ه.ق، به عنوان یکی از مناطق تحت فرمانروایی خلفای اسلامی، ساخته می‌شد، می‌توان مشاهده کرد. عطایی، موسوی حاجی و کولابادی این ظروف را چنین توصیف می‌کنند: «زمینه‌ای گلابه‌ای دارند که تزیینات به‌شیوه نقاشی روی آن ایجاد شده و مواد رنگی نیز گلابه افزوده دارند، بدین معنا که ابتدا بدنه رسی سفال که از خمیره نخودی یا قرمز ساخته می‌شد با لایه‌ای از گلابه پوشیده شده و سپس نقوش از طریق مواد رنگی ممزوج با نوعی واسطه گلی، روی این پوشش ایجاد می‌شد. در پایان نیز سطح سفال با لعاب سربی شفاف پوشانده می‌شد» (عطایی، موسوی حاجی و کولابادی، ۱۳۹۱: ۷۱-۸۸). رنگ‌های مورد استفاده در نمونه سفال‌های به‌دست‌آمده سیسیلی از اکسید فلزات به دست می‌آمد. «اکسید مس برای ایجاد رنگ سبز، اکسید منگنز برای رنگ قهوه‌ای و هیدروکسید آهن برای تولید رنگ زرد به کار می‌رفت» (Arcifa, 1998: 94). در تصاویر ۳ و ۲ نمونه‌ای از این نوع رنگ‌آمیزی را می‌توان مشاهده کرد. آنچه مورد توجه است این که هرگز از پوشش لاک‌ی که ممکن بود موجب افزایش محصولات وارداتی شود، در ساخت سفال‌ها استفاده نمی‌شد؛ مانند سفال‌های نازک غذاخوری که در همان زمان در شمال آفریقا رایج بود (Ibid). هرچند سفالگران سیسیلی بعدها در قرن سیزدهم، به تولید سفال با روکش جلا یا لاک‌ی روی آوردند، اما می‌توان گفت در قرون مورد اشاره در این پژوهش، سفالگران سعی می‌کردند در مقابل سیل تولیدات و محصولات فرهنگ جدید، مقاومت کنند و حتی شیوه‌های تولیدی خود را با شرایط جدید درآمیزند و به این ترتیب این جریان یک سویه را تا حدی به تأثیری متقابل تبدیل کنند.

نقش و نمادهای سفال‌های اسلامی در قرن سوم ه.ق

در قرن دوم هجری، همزمان با انتقال پایتخت مأمون عباسی به خراسان، عباسیان، پایگاه قدرتمندی برای خلافت خود پیدا کردند. ایران کشوری عظیم و با دستاوردهای شگرف تمدنی بود. خلفای عباسی، اگر چه از ابتدای خلافت در ایران، با ظلم و ستم

گرفتن آن و دیگری با اضافه کردن مواد ارگانیک مانند جلبک دریایی (Mangiaracina, 2013:92). به نظر می‌رسد سیسیل و مناطق جنوبی مدیترانه، حداقل تا اواخر قرن دوازدهم م.، از تکنیک دمیدن استفاده نمی‌کردند. برعکس سرزمین‌های مدیترانه شرقی که استفاده از این تکنیک در آن‌ها بسیار رایج بود (Lesnes, 1998: 111).

سفال‌های لعابی سیسیلی نمایانگر روش‌های مخصوص «پخت مضاعف» است که تا قبل از فتوحات اسلامی به طور کلی در سیسیل ناشناخته بود. تکنیک لعابکاری بدون دمیدن مخصوص مسلمانان، تغییرات عظیمی در تکنیک‌های ساخت و تزئین سفال‌های سیسیلی به وجود آورد. به نظر می‌رسد که پردازش خاک رس برای تولید ظروف سفالین یادگار مهاجرت مسلمانان به جزیره است. «همچنین در کیفیت خمیر، می‌توان مشاهده کرد که سفال‌ها دیگر از خاک رس آهنی تشکیل نمی‌شدند، بلکه رنگ قرمز با ته‌فام بژ به کار می‌رفت که نمونه آن در کلیسای سن سیستو پیزا^{۲۳} در اوایل قرن دوازدهم به چشم می‌خورد» (Auteri, 2012: 112). خمیر مورد استفاده به رنگ نخودی، سفت و حاوی میزان بالایی از کلسیت و واکوئل با سنگ آهک و برخی اوقات با ریزدانه‌هایی از کوارتز عالی و خاک نسوز با ریزدانه‌های درشت و متوسط است (Lesnes, 1998:111). به این ترتیب مشاهده می‌شود که این نوع خمیر، شباهت به سفال‌های مناطق مسلمان شمال آفریقا که از خمیر نخودی و قرمز زیر لعاب در آن‌ها استفاده می‌شد را بیشتر اثبات می‌کند. «در همان زمان در تونس، خمیر سرخ رنگ داخلی و نخودی در قسمت خارجی با میزان بالایی از ریزدانه‌های کوارتز، کبالت و کلسیت، به چشم می‌خورد» (Molinari, 1997: 5- 11).



تصویر ۱. کاسه تک رنگ سبز با طراحی کلی نقوش هندسی. سیسیل. قرن نهم میلادی. مأخذ: Mangiaracina, 2013: 99



تصویر ۳. کاسه سفالی منقوش به نقش پرنده (مرغابی) پوشش لعاب سفید و تحت لعاب شفاف ایران، قرن ۸۱، مأخذ: www.davidmus.dk



تصویر ۲. کاسه سفالی تک رنگ، منقوش به خط کوفی بر روی زمینه سفید، قرن ۱۱، نیشابور، سامانیان، مأخذ: <http://depts.washington.edu>

هنر ساسانی و اسلام، نمونه شاخصی در این زمینه به شمار می‌آیند. در بیشتر سفال‌های سامانی کتیبه‌هایی با نقوش هندسی و انتزاعی به کار رفته‌است. همچنین نقوش خوشنویسی و کتیبه به وفور در آنها مشاهده می‌شود (تصویر ۲). سفال‌های عهد سامانی در نیشابور طی قرن سوم و چهارم ه.ق، به لحاظ طرح‌های انتزاعی، نقوش جانوری به خصوص پرندگان و گیاهی، شباهت میان محصولات سفالی خلافت اسلامی به ویژه سفال‌های عباسی و محصولات مشابه سفالی در سیسیل را اثبات می‌کند. «تمام سطح این سفال‌ها با تزئینات غنی و متنوع از قبیل پرندگان، حیوانات، پیکره‌های انسانی، برگ نخلی‌ها، پیچک‌های برگدار و کتیبه پوشیده شده‌است» (عطایی، موسوی‌حاجی و کولابادی، ۱۳۹۱: ۷۱-۸۸). «نقوش روی ظروف سفالی عهد سامانی شامل پرندگان، بوتیمار، مرغابی (بط) (تصویر ۳) و هدهد در سفالینه‌های نیشابور به تعداد زیاد مشاهده می‌شود» (چنگیز و رضالو، ۱۳۹۱: ۳۵). در سفال‌های نیشابور گاهی نقش شیر به عنوان نماد جانوری دیده می‌شود (تصویر ۴). همانگونه که پیش‌تر آمد، در سفال‌های سیسیلی نیز نقش مرغابی (بط) (تصویر ۵) به وفور و همچنین گاهی نقش شیر مشاهده می‌شود که این امر نشان‌دهنده شباهت میان این محصولات به لحاظ فرم و نقوش تزئینی و سفال‌های اسلامی است. در تصاویر ۴ و ۶ کاسه لعابی به دست آمده از کلیسای سن‌زنو و کاسه لعابدار سامانی قرن نهم، هر دو نقش شیر با طراحی تقریباً یکسان و با دست‌هایی جلو آمده و ایستاده را نشان می‌دهد. «یکی دیگر از نقوش غالب در سفال‌های اسلامی دوره عباسی، خط نگاره‌هایی از احادیث و آیات قرآنی بود. از آنجا که در قرون

و رفتارهای منافقانه و نیرنگ‌آمیز خود، نتوانستند در دل ایرانیان جا باز کنند اما به خوبی از شیوه زندگی متمدنانه ایرانیان بهره جستند و تأثیرپذیری علم، صنعت و هنر ایرانیان بر تمام آثار اسلامی دوره فوق‌الذکر و دوره‌های پس از آن و همچنین در تمامی متصرفات اسلامی پس از آن، به روشنی مشهود است. به عنوان نمونه در علم و دانش، آثار خوارزمی و تلاش‌های او در جهت ارتقای تکنولوژی‌های پیشرفته صنعت مکانیک، ماشین‌های خودکار، ریاضی و آلات موسیقی و یا فنون نوین مهندسی و فیزیک، به زودی به کل جهان اسلام تسری یافت.

قرن سوم ه.ق، برای مسلمانان آغاز تجمل‌گرایی بعد از دو قرن ساده‌زیستی و توجه به عناصر تزئینی ممالک دیگر بود. خلفای عباسی در نیشابور از تزئینات هنری ایرانی تأثیر پذیرفتند. در سفالگری نیز عباسیان از سفالگری خراسان و به ویژه سفال‌های بی‌همتا و چشمگیر نیشابور تأثیر بسیار پذیرفتند و این شیوه جدید ساخت و تزئین را همراه خود به سایر متصرفات اسلامی بردند. در واقع خلافت عباسیان در ایران و آشنایی آنها با هنر و زندگی ایرانیان پایانی بود بر ساده‌زیستی دوره صدر اسلام. به‌زودی آثار تجمل و آذین‌بندی و رنگ‌پردازی در زندگی خلفای عباسی دیده‌شد. در زمینه صنعت سفال‌سازی، نقوش و تزئینات با نمادهای دوره سامانی (نک. تصویر ۲)، مانند نقوش جانوری و تکنیک‌های لعابکاری جایگزین سفال‌های ساده صدر اسلام شد. «آزادبخت» و «طاووسی»، قرن سوم هجری را آغاز سنت دیرینه و شاخص سفالگری اسلامی می‌دانند (آزادبخت و طاووسی، ۱۳۹۱: ۷۱). در بازه زمانی طرح شده، سفالینه‌های سامانی با تأثیرپذیری فراوان از



تصویر ۶. کاسه ساخته شده با تکنیک لعاب با نقوش جانوری (شیر) کلیسای سن زنو (پیزا)، مأخذ: Mangiaracina, ۲۰۱۳، ۹۱

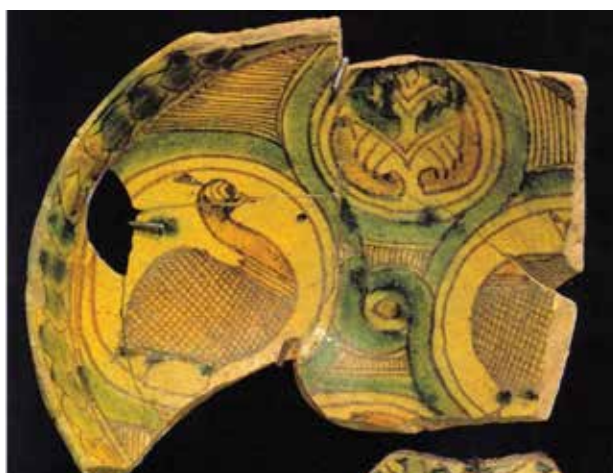


تصویر ۴. کاسه سفالی لعابدار سامانی با نقش شیر بر روی زمینه سفید، قرن نهم میلادی. مأخذ: Manhattan Art & Antiques Centre, <http://the-maac.com>

شبکه‌ها و صور نجومی در بعضی از سفال‌های وارداتی که از تونس به دست آمده‌است، مؤید تأثیرپذیری از نمونه‌های اسلامی است. گاهی اوقات نیز نام سازنده ظروف و یا نامی ناآشنا بر سطح داخلی ظروف به زبان عربی حک شده‌بود. «شبه کتیبه‌هایی از کلیسای آگاتا^{۲۳} در حوالی کاتانیا^{۲۴} و ساحل شرقی مسینا^{۲۵} و سیراکوزا^{۲۶} به دست آمده‌است» (Arcifa, 2010: 17) این کتیبه‌ها ارتباط و تشابه با کتیبه‌های به کار رفته در سفال‌های سامانی را بیشتر روشن می‌کند.

نقوش و نگاره‌های مورد استفاده در سفال سیسیل

تولیدات سفالی لعابی شامل محصولات مختلفی مانند مشک‌های مخصوص آبکشی، کاسه، بطری، جام‌های مخصوص نوشیدن، قوری، فنجان و فانوس بود. بعدها در نیمه دوم قرن دهم و نیمه اول قرن یازدهم، نقاشی روی شیشه به تزئینات روی سفال اضافه شد. در قرن نهم و دهم م.، سفال‌های محلی با لعاب‌های ساده و رنگ‌های سبز و عاری از نقوش تزئینی ساخته می‌شد که البته از قرن دوازدهم نقوش تزئینی در سفال‌ها دوباره بسیار رایج شد. «ظروف سفالی رایج در قرن نهم تا دهم، شامل کاسه‌های بزرگ برای مصرف پاستا با دیواره‌های عمودی و گودی کم بود. در بین محصولات ساخته‌شده، کاسه‌های بزرگ با تزئینات نقاشی قهوه‌ای و سبز که امروزه با نام «قلمزنی بدون حاشیه» شناخته می‌شود، در سیسیل غربی بسیار رایج بود. عناصر تزئینی از نوع قرینه و به صورت مورب، مارپیچ، مثلث و لوزی شکل است. تزئینات معمولاً در جداره بیرونی کاسه‌ها دیده می‌شود و شامل ستون‌های عمودی نقاشی شده بر روی دیواره بیرونی و در برخی موارد نقوش انتزاعی در کف ظروف است» (Mangiaracina, 2013: 94)؛ (تصاویر ۸ و ۹).



تصویر ۵. سرامیک زرد، کاسه مقعر با تکنیک لعاب از نوع مرسوم طرح مرغابی سیسیلی، مأخذ: Mangiaracina, 2013: 93

اولیه اسلامی، به واسطه پایین بودن سطح فرهنگ و سواد، احکام شریعت، معمولاً به طور سینه به سینه و شفاهی حفظ و منتقل می‌شد، یکی از بهترین ابزارها برای انتقال مفاهیم، ظروف سفالی بود و به همین دلیل تعداد زیادی از احادیث و روایات بر روی ظروف هنرمندان اسلامی نگاشته شده‌است» (همان: ۳۵)؛ (تصویر ۷). «همچنین با توجه به رشد علوم غریبه در اوایل دوره اسلامی، در این سفال‌ها، نمادها، فرم‌ها و اشکال مربوط به طلسم و علوم غریبه فراوان مشاهده می‌شود» (همان). هرچند در سفال‌های سیسیلی نمی‌توان مشابه این نقوش خطنگاری و استفاده از آیات و روایات و یا طلسمات را به راحتی مشاهده کرد، در عین حال فرم‌های دایره‌وار و عناصر تکرارشونده و شبه کتیبه‌هایی شامل

نجومی است. در ساخت این ظروف از خاک رس آهنی مخصوص سیسیلی غربی استفاده شده است» (Lesnes, 1998: 111). نقوش جانوری مانند هدهد و نقش پرندگان و عناصر نجومی که پیش تر در سفال‌های اسلامی قرن سوم و چهارم ه.ق، در نیشابور عهد عباسی و سامانی بدان اشاره شد، در این ظروف سفالی نیز دیده می‌شود. عناصر گیاهی، هندسی و در موارد کمیابی نقوش حیوانی و برخی موارد حروف عربی مشخصه تزئینات سفال‌های سیسیلی است. «نقوش جانوری مورد استفاده، بسیار نادر است. تنها در دو کاسه کشف شده در کلیسای سان زنو^{۲۷} و سان پیرو آگرادو^{۲۸}، این نمونه از نقوش جانوری دوباره دیده می‌شود. نقوش جانوری در این دو نمونه شامل تصویر شیری است که از درخت خرما بالا می‌رود. دومین سفال از کلیسای سن پیرو آگرادو شامل تصویر یک عقاب با بال‌های خم شده است که تمام مرکز کاسه را در برمی‌گیرد» (Mangiaracina, 2013: 94)؛ (نک. تصویر ۶). نقوش رسم شده با قلموهای نازک با رنگ سبز و بدون حاشیه، ایجاد می‌شد. در حالی که برای نقوش پیچیده‌تر متقارن، از رنگ سبز و قهوه‌ای استفاده می‌شد (همان)؛ (تصویر ۱۰). در قرن دوازدهم م. عنصر تزئینی غالب همچنان رنگ قهوه‌ای زیر لعاب سبز است که روی آن نقوش هندسی به کار رفته در قرن قبل و نقوش گیاهی جدیدی از قبیل تصویر نخل، استفاده می‌شد (Lesnes, 1998: 112)؛ (تصویر ۱۱). «نقوش جانوری معمول در سیسیلی در آغاز قرن دهم، شامل تصویر مرغابی (بط) است که موضوع اصلی نقوش تزئینی را به خود اختصاص می‌دهد. فرم غالب سفال‌ها، کاسه لبه گرد است. درون کاسه‌ها یا با نقش یک مرغابی ایستاده و یا با تصویر یک جفت مرغابی با بال‌های باز که روبروی هم قرار دارند و یا نیز توسط چند مرغابی که درون یک قاب قهوه‌ای با حاشیه‌های سبز قرار گرفته‌اند، تزئین شده است» (Mangiaracina, 2013: 94)؛ (تصویر ۱۲). دیواره‌های عمودی داخلی معمولاً توسط عناصری با رنگ‌های هم‌خانواده پوشیده شده است. در دیواره خارجی، عنصر غالب، مجموعه‌ای از نقوش منحنی بر روی دیواره عمودی است، در حالی که همچنان به رسم سیسیلی می‌توان در قسمت تحتانی ظروف، نقوش انتزاعی رسم شده با رنگ قهوه‌ای را مشاهده کرد. در خمه‌ها و کاسه‌های گلابه‌ای، نقوش تزئینی هندسی و گیاهی، راه‌راه با نوارهای سبز دورگیری شده با رنگ قهوه‌ای بر روی خود ظرف و نوارهای قهوه‌ای بر روی لبه، به کار می‌رفت (Arcifa, 1998: 95)؛ (تصویر ۱۲) در تصاویر ۱۰ و ۱۲ مشابهت طرح‌های مارپیچی و نقوش تزئینی گیاهی و هندسی و نیز مشابهت رنگ‌های به کار رفته (زرد، سبز و قهوه‌ای بر زمینه نخودی)، در دو کاسه سفالی سیسیلی و اسلامی قرن دوازدهم، نشان‌دهنده تقلید از نمونه‌های اسلامی است.



تصویر ۷. کاسه با نقوش خوشنویسی کلمات اللّهی (خط کوفی)، منطقه نیشابور، ایران، قرن دهم و یازدهم.

مأخذ: <http://fotografia.islamorient.com>

به نظر می‌رسد فرم‌های دالبری و دایره‌ای در سفال‌های قرن دهم و یازدهم، فرم غالب بود و لبه‌ها و بخش درونی منقوش به تزئینات رنگارنگ با عناصر تزئینی که در داخل و خارج ظرف تکرار شده است. استفاده از میناکاری و لعاب در تمام سفال‌ها به چشم می‌خورد. «نقوش تزئینی هندسی شامل خطوط راهدار قهوه‌ای و نوارهای سبز و نقوش تزئینی جانوری شامل تصویر حیوانات خیالی، هدهد و گاهی اوقات شبه کتیبه‌هایی با عناصر تصویری مکرری از صور



تصویر ۹. کاسه سرامیکی لعابدار با طرح مارپیچی وارداتی از «کامپانیا».
Mangiaracina, 2013: 100 مأخذ:



تصویر ۸. کاسه آبی طراحی شده با رنگ قهوه ای منگنز زیر لعاب سبز، کلیسای سن سیستو پیزا، مأخذ: Mangiaracina, 2013: 97



تصویر ۱۱. کاسه‌های کوچک مزین با تکنیک لعاب متشکل از طرح یک گل پیچیده شده در برگ نخل، مأخذ: Mangiaracina, 2013: 95



تصویر ۱۰. کاسه گود با تکنیک لعاب کاری با نقش‌مایه های تزئینی متقارن. کلیسای سن زنو (پیزا)، مأخذ: Mangiaracina, 2013: 90



تصویر ۱۲. کاسه سفالی اسلامی با طرح های گیاهی و مارپیچی سبز و زرد، قرن دوازده و سیزده. مأخذ: www.metmuseum.org

نتیجه گیری

تأیید می‌کند. به طور کلی نقوش تزئینی انتزاعی، هندسی مشترک با نمونه‌های اسلامی-عربی و اسلامی-سامانی، عناصر جانوری مانند مرغابی، هدهد و شیر که به طور واضح از نمونه‌های اسلامی تقلید شده‌است، شیوه ایستادن حیوان و یا نحوه بال‌گشودن پرنده که در نمونه‌های موردی دیده شد، عناصر گیاهی مانند برگ نخل و زیتون و نیز شبه‌کتیبه‌های به دست‌آمده از کلیساهای پالرمو که مشابه کتیبه‌های اسلامی است، مؤید آن است که محصولات سیسیلی در این دوره بیش از آن‌که دارای ویژگی‌های هنر غربی باشد، می‌تواند به عنوان «هنر عربی-اسلامی» شناخته‌شود.

بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرهنگ اسلام به عنوان فرهنگ غالب، فرهنگ و هنر سیسیل را به طرز گسترده‌ای مورد تأثیر قرار داده و به نظر می‌رسد نقطه عطف در مطالعات تاریخی سیسیل، تغییرات به وجود آمده در پی ورود اسلام است. در مجموع، سیسیل به عنوان منطقه مرزی میان اروپا و جهان اسلام، نقش مهمی در انتقال رسوم و شیوه زندگی، علوم، هنر و صنعت اسلامی به اروپا بر عهده داشته‌است. با توجه به مطالب گفته‌شده و نمونه‌های مطرح شده در این پژوهش، به نظر می‌رسد بتوان صحت فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر هنر اسلامی سفالگری در دوره مورد مطالعه؛ پس از ورود اسلام در قرن سوم هجری قمری، بر صنعت و هنر سفالگری مناطق جنوبی اروپا به ویژه سیسیل را پذیرفت. یافته‌های این تحقیق می‌تواند در راستای شناخت فرهنگ و هنر سرزمین‌های تحت فرمانروایی اسلام در غرب و شرق و کشف ریشه‌های مشترک فرهنگی، مفید واقع شود.

همان‌گونه که گفته‌شد، سفالگری اسلامی تغییرات گسترده‌ای در صنعت و هنر سفالگری در سیسیل ایجاد کرد. غنای رنگی و ظواهر ریخت‌شناسانه محصولات سفالی در نمونه‌های اسلامی و در دست‌ساخته‌های سیسیلی، بیانگر فرهنگ هنری و زیبایی‌شناسی مشترک در این مناطق است. در زمینه شیوه تولید، یافته‌های پژوهش نشان داد که لعابکاری سفال تا قبل از ورود اسلام در سیسیل وجود نداشته‌است. استفاده از تکنیک لعابکاری بدون دمیدن، قرار دادن سفال‌ها در کوره‌های عمودی، دوغاب‌کاری و سفیدگری سطحی و فرایند پخت مضاعف که از ویژگی‌های سفالگری اسلامی است و نیز استفاده از خمیر نخودی و یا قرمز رنگ در سفال‌های دوره سامانیان در ایران، تونس و جنوب ایتالیا، به‌کارگیری تکنیک و روش ساختی مشترک را تأیید می‌کند.

همچنین داده‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است «سفال گلابه‌ای» که ویژگی منحصر به فرد سفالگری سامانیان و خلافت عباسیان در قرن نهم و دهم در شرق ایران است، در نمونه‌های سیسیلی این دوره نیز یافت شده‌است. در عین حال، هرچند مطالعات انجام گرفته در زمینه سفال، پس از ورود اسلام به اروپا، اغلب به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌است، از یافته‌های این پژوهش چنین برمی‌آید که در برخی موارد سفالگران سیسیلی تلاش می‌کردند شیوه‌ها و تکنیک رایج خود را اعمال کنند، مانند پوشش لاک‌ی رایج در سفالگری اسلامی که در هیچ‌یک از تولیدات سیسیلی در این دوره دیده نمی‌شود. همچنین مقایسه نمونه‌های تصویری ارائه‌شده در این پژوهش، پیروی از شیوه‌های تزئینی اسلامی را

پی‌نوشت

۱۵. Val de Mone
۱۶. Hasan Al-Kalbi (948-954; m. 964)
۱۷. Calbita
۱۸. Qanat
۱۹. I Vasi da Senia
۲۰. Chiesa S.Sisto di Pisa
۲۱. Amphora
۲۲. Vaso da Noria
۲۳. Chiesa di Agata
۲۴. Catania
۲۵. Messina
۲۶. Siracusa
۲۷. Chiesa di S.Zeno
۲۸. Chiesa S.Piero a Grado

۱. Alessandra Molinari
۲. San Domenico di Palermo
۳. San Piero a Grado di Pisa
۴. S.Agata
۵. Catania
۶. Lucia Arcifa
۷. Salvina Fiorilla
۸. Fabiola Ardizzone
۹. Jebelterra
۱۰. Iberia
۱۱. Taormina
۱۲. Demone
۱۳. Aqlabiti
۱۴. Val de Noto

- Arcifa, L. (1998). Ceramiche, città e commercio in Sicilia: il caso di Palermo. *Ceramiche, città e commerci nell'Italia tardo-medievale*, 89-107.
- Arcifa, L. (2010). Nuove ipotesi a partire dalla rilettura dei dati archeologici: la Sicilia orientale. *A. NEF, V. PRI-GENT (a cura di)*, La Sicile de Byzance à l'Islam, Paris, 15-49.
- Auteri, M. (2012). L'Islam in sicilia, un giardino tra due civiltà fiorito alla fondazione orestia-di di gibellina dopo secoli di semina, Bollettino telematico d'arte, N.649, ISSN 1127-4883 BTA.
- Bagnera, A. (2015). *From a Small Town to a Capital: The Urban Evolution of Islamic Palermo (9th–mid-11th Century)*. In *A Companion to Medieval Palermo* (pp. 61-88). Brill.
- Bagnera, A., (2013). Palermo in Eta' Islami-ca, Sviluppo Urbano e Produzioni Ceramiche (IX-XI Secolo), Conference, 16 Maggio 2013, Roma, *Museo Nazionale d'Arte Orientale "Giuseppe Tucci"*.
- Molinari, A., Boldrini, E. & Grassi, F. (1994). La circolazione Ed IL consumo di ceramiche fini rivestite Nell 'area tirrenica tra XII e XIII secolo: Il caso di Rocca San Silvestro. *Archeologia medievale*, 24: 101-127.
- Berti, G., Bordoy, G. R., & Tongiorgi, E. (1986). Alcuni bacini ceramici di Pisa e la corrispondente produzione di Maiorca nel secolo XI. *Archeologia medievale*, 13: 97.
- Lesnes, E. (1998). La ceramica medievale rinvenuta durante lo scavo della corsia Est del chiostro di S. Domenico a Palermo. *Ceramiche, Città e Commerci nell'Italia tardo-medievale: Ravello*, 3-4 Maggio 1993, 12: 109.
- Mangiaracina, C.F., (2013). La ceramica inventriata nella Sicilia Islamica e Normanna) X-XII Secolo ,(in Berti) F .(Caroscio) M) .(dir ,(La luce del Mondo .Maioliche mediterranee nelle terre dell'Imperatore, Firenze, Noèdizioni, p.
- آزادبخت، مجید و طاووسی، محمود. (۱۳۹۱). استمرار نقش‌مایه‌های ظروف سیمین دوره ساسانی بر نقوش سفالینه‌های دوره سامانی نیشابور، *فصلنامه نگره*، ۷ (۲۲): ۵۷-۷۲.
- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۷۹). *نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- چنگیز، سحر، رضالو، رضا. (۱۳۹۱). ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم هجری قمری)، *نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، ۴ (۴۷): ۳۳-۴۴.
- عطایی، مرتضی، موسوی حاجی، سیدرسول و کولابادی، راحله. (۱۳۹۱). سفال منقوش گلابه‌ای (انواع، گستردگی، تاریخ‌گذاری)، *فصلنامه نگره*، ۷ (۲۳): ۷۱-۸۸.

75-91.

- Molinari, A. (1994). CS, Origine, diffusione, caratteristiche tecniche e culturali delle ceramiche invetriate e smaltate della Sicilia e dell' Italia meridionale dei secoli X-XIII. *Atti del I Seminario sulla Ceramica Medievale*.
- Molinari, A. (1994). La profusion ed il commercio in Sicilia tra il X e il XIII secolo: il contributo delle fonti archeologiche. *Archeologia medievale*, 21: 99.
- Rotolo, A. (2011). Alcune riflessioni sullo stato delle conoscenze sulla ceramica d'età islamica

in Sicilia occidentale (m. ix-sm xi secolo). *Mélanges de l'École française de Rome-Moyen Âge*, (122-3): 545-560.

- https://www.davidmus.dk/files/0/7/3358/Copyright_David_Collection_Copenhagen_09_1964_web.jpg
- <http://depts.washington.edu/silkroad/museums/bm/bmpremongolceramic.html>
- <http://www.artic.edu/aic/exhibitions/plotnick/overview.html>
- <http://fotografia.islamoriente.com>